



نگاهی گذرا به حیات پر برکت علامه مقدس اردبیلی

در قرن دهم هجری قمری در شهر اردبیل کودکی سعادتمند پا به عرصه وجود گذاشت. او بعد از رشد و شکوفایی و طی مراحل علمی و کسب کمالات معنوی و عرفانی به مرتبه ای از دانش و معرفت و زهد و تقوا رسید که پس از چهار قرن هنوز الگوی عالمان و پرهیزکاران است.

شیعه نبوی: در قرن دهم هجری قمری در شهر اردبیل کودکی سعادتمند پا به عرصه وجود گذاشت. او بعد از رشد و شکوفایی و طی مراحل علمی و کسب کمالات معنوی و عرفانی به مرتبه ای از دانش و معرفت و زهد و تقوا رسید که پس از چهار قرن هنوز الگوی عالمان و پرهیزکاران است.

نامش احمد و فرزند محمد و از خانواده ای دوستدار اهل بیت علیه السلام بود. پس از رشد و گذراندن تحصیلات و کسب کمالات معنوی به نجف اشرف مهاجرت کرد و در جوار مرقد مطهر مولای متقیان امام علی علیه السلام به کسب علم و فضیلت پرداخت. وی علوم نقلی و فقه را از محضر سید علی صائغ و دیگر استادان حوزه نجف فرا گرفت. سید علی صائغ از آن جمله شاگردان برجسته شهید ثانی بود که استاد به وی علاقه فراوان داشت. (502)

وی همواره در جستجوی دانش بود و در طول عمر پربرکت خود از هیچ کوششی برای آموختن غفلت نمی کرد. هر جا که از وجود دانشمند و عالمی نشانی می یافت به خدمتش می شتافت و از علم و معرفت وی بهره می گرفت. به همین دلیل زمانی نیز برای استفاده از محضر فیلسوف و عالم وارسته جمال الدین محمود (از شاگردان فیلسوف نامی جمال الدین اسد دوانی) به شیراز مهاجرت کرد و مدتی نزد وی به تحصیل علوم عقلی مشغول گردید. او علم و عمل را وجهه همت خویش ساخت و در زهد و تقوا به درجه ای رسید که به ((مقدس)) شهرت یافت و در تحقیق و ژرف نگری علمی به اندازه ای تبحر داشت که به ((محقق)) معروف شد.

در گفتار بزرگان

وی از آن جمله عالمانی است که مورد تجلیل فراوان علما و فقها قرار گرفته است. سید مصطفی تفرشی از معاصران محقق اردبیلی می نویسد: ((امرش در جلالت و اطمینان و امانت مشهورتر از آن است که ذکر شود و بالاتر از آن است که عبارتی بتواند آن را وصف کند. او متکلمی فقیه و عظیم الشان و جلیل القدر و بلند منزلت و باورع ترین شخص زمانش و عابدترین و با تقواترین آنها بود.)) (503) شیخ حر عاملی که خود از چهره ها و بزرگان دین و دانش است می نویسد: ((احمد بن محمد اردبیلی عالمی فاضل، محقق عابد، مورد اطمینان و پارسا، عظیم الشان و جلیل القدر و معاصر شیخ بهایی بود.)) (504)

علامه بزرگوار مجلسی می نویسد: ((محقق اردبیلی در قداست نفس و تقوا و زهد و فضل به مقام نهایی رسید و در میان عالمان متقدم و متاخر شخصیت بزرگی چون او را سراغ ندارم ... کتب او دارای بالاترین مراتب دقت نظر و تحقیق است.)) (505) محدث بزرگوار حاج شیخ عباس قمی می نویسد: ((شیخ اجل عالم ربانی فقیه محقق صمدانی معروف به محقق اردبیلی ... در مراتب علم و فضل و عبادت و زهد و کرامت و وثاقت و تقوا و ورع و جلالت به درجه ای رسید که توصیف نشود و در قدس و تقوا به مرتبه ای رسید که به او مثل زده شود و به راستی اشعه انوار جمال و پرتو حسن آن عالم مفضال چنان تجلی کرده بر هیچ دیده پوشیده نیست.)) (506)

مقدس اردبیلی و دربار صفوی

شاهان صفوی بنا به دلایل مختلف دینی و سیاسی و مصالح حکومتی ضمن احترام و تقدیس علمای دین از آنها در امور مختلف نظرخواهی می کردند. اگر چه این احترامها و تقدیسه بیشتر برای حفظ موقعیت خویش و به منظور برخورداری از حمایت و پشتیبانی جامعه شیعی بود که سر در فرمان عالمان و فقیهان داشتند. از آن سو علما نیز از این موقعیت برای گسترش و نفوذ مکتب تشیع استفاده فراوان بردند و به واقع ارتباط آنان با پادشاهان صفوی نقشی انکارناپذیر در گسترش و نفوذ تشیع داشت به طوری که تشیع در این زمان از انزوا خارج شد و با رسمیت مذهب تشیع نشر و تبلیغ اندیشه های شیعی رواج فراوان یافت. و دانشمندان و بزرگانی چون محقق ثانی، شیخ بهایی و علامه بزرگوار مجلسی با جهت دادن سیاستهای دربار صفوی به سمت ترویج و تبلیغ تشیع خدمات بی نظیری را برای اسلام و تشیع به انجام رساندند به طوری که این دوران یکی از دورانهایی اوج گیری اندیشه های شیعی است.

مقدس اردبیلی نیز از جمله عالمانی است که در پرتو رابطه با دربار صفوی در گسترش تشیع و حل مشکلات شیعیان تلاشهای فراوانی را به ثمر نشاند. هر چند که او به درخواست شاه عباس صفوی برای ترک نجف و مهاجرت به ایران پاسخ منفی داد. برای مصالح تشیع و شیعیان همواره به دربار صفوی تذکراتی می داد. تاریخ برخی از آن وقایع را نقل کرده است. (507) از جمله نوشته اند: زمانی یکی از کارگزاران دربار صفوی مورد غضب شاه عباس قرار گرفت و به مقدس اردبیلی پناه برد و او نامه ای به وی داد تا شاه از تقصیر او بگذرد. نامه مقدس اردبیلی به شاه عباس چنین بود:

((بانی ملک عاریت ، عباس ! بدان که چه این مرد اول ظالم بود اکنون مظلوم می نماید چنانچه از تقصیر او بگذری شاید که حق - سبحانه و تعالی - از پاره ای از تقصیرات تو بگذرد. بنده شاه ولایت :احمد اردبیلی))
این از شگفت نامه هایی است که در آن هیچ توصیف و تعریفی از شاه نشده و مقدس اردبیلی در آن خود را از پیروان و غلامان امام علی علیه السلام معرفی کرده است و نه از چاکران و غلامان شاه .
شاه عباس بدون تاخیر فرمان مقدس اردبیلی را اجرا کرد و پاسخی بدین گونه نوشت :
((به عرض می رساند عباس خدماتی که فرموده بودید به جان منت داشته ، به تقدیم رسانید که این محب را از دعای خیر فراموش نکنید. کتبه کلب آستانه علی : عباس))(508)

احیاگر حوزه نجف

سالها تحصیل و تحقیق در پرتو زهد و تقوا، از مقدس اردبیلی فقیه و عالمی کم نظیر ساخته بود و طولی نکشید که ریاست و زعامت شیعه و حوزه علمیه نجف را عهده دار شد. هنگامی که مقدس اردبیلی پا به عرصه فعالیت‌های علمی و تبلیغی گذاشت نجف بسیار خاموش و بی تحرک بود و دانش پژوهان اندکی در آنجا مشغول تحصیل بودند و حوزه آن از شکوه دوران شیخ طوسی بی بهره بود در این زمان احیاگری سراسر پاکی و فضیلت قیام کرد و با زهد خود به مقابله با کمبودها با تقوا و صبر خود به رفع کاستی ها برخاست و با معنویت خویش به حوزه نجف روح و صفا بخشید و نجف را میعادگاه طلاب دانش پژوه ساخت و جویندگان دانش را به آنجا جلب کرد. آیت الله سید حسن صدر در این باره می نویسد: ((در زمان مقدس اردبیلی دوباره کوچ علمی به نجف آغاز شد. حوزه تقویت یافت و مردم از اطراف دیگر شهرها و بلاد به آنجا روی آوردند و آن شهر به صورت بزرگترین مرکز علمی در آمد.)) (509)

بر مسند تدریس

محقق اردبیلی در مدت عمر گرانبهای خود خدمات ارزنده ای برای عالم تشیع انجام داد. وی پس از کسب علوم عالی بر کرسی تدریس نشست و با کمال دقت و حوصله مسائل و مباحث علمی را به شاگردان خویش تعلیم داد. او همان گونه که نفس خویش را تهذیب کرده بود معتقد به تهذیب زواید و اضافات کتابهای درسی حوزه بود و از تدریس و تعلیم مطالبی که فایده ای بر آن مترتب نبود پرهیز می کرد. او با نفس قدسی خود کسانی را برای جامعه بزرگ تشیع تربیت کرد که هر یک چهره ای برجسته در علم و اجتهاد شدند و منشا آثار ارزنده ای برای عالم اسلام گردیدند. شاگردان برجسته وی را چنین برشمرده اند:

1. شیخ حسن (متوفی 1011 ق .) فرزند شهید ثانی (مؤلف کتابهای معالم الاصول و المنتقی)
2. سید محمد (متوفی 1009) نوه دختری شهید ثانی ، معروف به صاحب مدارک
3. میر فیض الله تفرشی
4. عنایت الله کوهپایه ای ، ترتیب دهنده برخی از کتابهای رجالی
5. ملا عبدالله شوشتری (متوفی 1012)

تالیفات

فقیه بزرگوار محقق اردبیلی علاوه بر تدریس ، کتابهای پرارجی نیز در موضوعات کلام ، فقه ، اصول ، سیره اهل بیت علیه السلام و عقاید تالیف کرد که برخی از آنها اثری در دست نیست . فهرست قسمتی از این آثار عبارت اند از:

1. استیناس المعنویه (در علم کلام)
2. بحر المناقب
3. حاشیه بر شرح تجرید
4. حدیقه الشیعه
5. رساله خراجیه
6. زبدة البیان فی آیات الاحکام
7. مقاله فی الامر بالشی (در علم اصول)
8. مناسک حج (فارسی)
9. مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان

این کتاب یکی از مشهورترین و عمیق ترین دایرة المعارفهای فقه استدلالی و یکی از مصادر و منابع گران سنگ فقه جعفری است . که همواره مورد توجه مجتهدان بوده است . محقق این کتاب را به مثابه شرحی بر کتاب ارشاد علامه حلی نوشته ولی خود کتابی بسیار مفصل و عمیق است که با دقت و کنکاشی عظیم به تحلیل و بررسی مباحث فقهی پرداخته است .

سیره مقدس

مقدس اردبیلی بسیار متواضع بود و در مقابل شاگردانش خود را فوق العاده کوچک می شمرد و آنان را مورد تکریم و احترام فراوان قرار می داد. گویند در هنگامی که شیخ حسن از تحصیل فراغت یافت و قصد داشت به لبنان باز گردد از استاد خویش تقاضای نصیحت و موعظه کرد و مقدس اردبیلی احادیثی را گردآوری کرده ، در ورقه ای نوشت و به ایشان داد و در پایان آن نوشت این جملات را اضافه کرد:

((کتبه العبد احمد لمولاه امتثالا لامره و رجاء لنذکره))(510)

این مطلب را بنده خدا احمد برای مولای خود نوشته است تا فرمان ایشان را به جای آورد و به امید اینکه موجب پندآموزی وی باشد. اخلاص در کار تعلیم و تدریس نیز از خصلتهای بارز مقدس اردبیلی بوده است . ملا عبدالله شوشتری از شاگردان مقدس اردبیلی در مجلسی مساله ای را از استاد خویش پرسید. مقدس سوال او را پاسخ گفت . اما شاگرد به این پاسخ قانع نشد و بحث ادامه یافت . ناگهان مقدس سکوت کرد و پس از لحظه ای فرمود: این بحث بماند برای بعد، باید به کتاب مراجعه کنم ! سپس از مجلس برخاست و به شاگرد فرمود تا همراه او به جایی دیگر بروند. پس از خروج از آن مجلس محقق اردبیلی پاسخی بسیار دقیق و عمیق بیان کرد به طوری که شاگرد قانع شد و شبهه ای برایش باقی نماند. شاگرد پرسید: آقا، چرا پاسخی به این نیکویی می دانستید و در همان مجلس بیان نفرمودید؟

محقق فرمود: آنجا چون در مجلس و در حضور جمعی از مردم بودیم احتمال داشت که قصدمان جدل و فخرفروشی و اظهار فضل بر یکدیگر باشد ولی اینجا این شبهه نیست زیرا تنها خدای متعال ناظر بحث و گفتگوی ماست . (511)

کمک به محرومان نیز از خصوصیات پسندیده مقدس اردبیلی بوده است . نقل است در یکی از سالها قحطی و گرانی به اوج خود رسیده بود و فقر و گرسنگی بیداد می کرد محقق اردبیلی اندک آذوقه ای داشت که فقط کفاف قوت خانواده اش را می کرد. اما او راضی نشد که خانواده اش غذا داشته باشند در حالی که افراد زیادی در جامعه محتاج و گرفتارند. از این رو آن طعام را بین بیچارگان تقسیم کرد. همسرش از این عمل او برآشفته و گفت :

در چنین سال قحطی آنچه طعام داشتیم به فقرا کمک کردی ، اکنون باید فرزندان من دست گدایی به سوی دیگران دراز کنند؟ محقق پاسخی نداد و از منزل خارج شده ، راه مسجد کوفه را در پیش گرفت . او تصمیم گرفته بود چند روزی را در مسجد اعتکاف کرده ، به عبادت و راز و نیاز بپردازد. در دومین روز حضور او در مسجد مرد عربی مقداری گندم و آرد بر چهارپایی بار کرده ، به خانه محقق اردبیلی برد و به همسرش تحویل داد و گفت :

صاحبخانه در مسجد اعتکاف کرده و این گندم و آرد را برای شما فرستاده است . چند روزی گذشت تا اینکه مقدس اردبیلی به خانه بازگشت . همسرش به او گفت :

آرد و گندمی که فرستاده بودید خیلی مرغوب بود.

محقق ، بی خبر از همه جا، وقتی این سخن را شنید دریافت که این فضل و رحمتی از طرف خدا بوده است و خداوند را بر این بنده نوازی ستایش کرد.(512)

در وادی کرامات

از زندگی این فقیه عابد و عارف کامل کراماتی نقل شده است . در ذیل به دو نمونه آن اشاره می کنیم :

فردی از اهل تفرش به نام میرغلام (میر فیض الله) که یکی از شاگردان و نزدیکان مقدس اردبیلی و فردی دانشمند و پارسا بود، می گوید:

من در مدرسه ای که حجره های آن در صحن مطهر امیرالمومنین علی علیه السلام قرار داشت ، سکونت کرده به فرا گرفتن علم اشتغال داشتیم . در یکی از شبهای تاریک پس از آنکه از مطالعه فارغ شدم از حجره بیرون آمدم و به اطراف نگاه می کردم که ناگهان دیدم مردی با سرعت به طرف قبه مبارک می رود. با خود گفتم شاید این مرد دزدی است که می خواهد به حرم دستبرد بزند و قندیلهای حرم مطهر را به یغما ببرد! به ناچار به طوری که او متوجه نشود. تعقیبش کردم دیدم به طرف در حرم مبارک رفت و اندکی توقف کرد. بلافاصله قفل در گشوده شد و بر زمین افتاد و در باز شد و او وارد گردید و بعد در دوم و سوم نیز به همان صورت باز شد. دیدم آن مرد به کنار مرقد مطهر مشرف شده ، سلام عرض کرد و از جانب قبر مطهر پاسخ داده شد. من صدایش را شناختم و متوجه شدم با امام علیه السلام درباره یکی از مسائل علمی گفتگو می کند. سپس از حرم خارج و به جانب مسجد کوفه رهسپار شد. من هم پشت سر او به طوری که متوجه من نبود حرکت کردم (تا از اسرار او سر در بیاورم) وقتی به مسجد رسید به محراب مسجد نزدیک شد و باز شنیدم که با بزرگی درباره همان مساله علمی گفتگو می کند. پس از آنکه پاسخ خود را شنید از آنجا بیرون آمد. من هم در تعقیب او حرکت کردم . وقتی به دروازه شهر رسید، هوا روشن شده بود. پیش از آنکه از دروازه خارج شود با صدای بلند او را مورد خطاب قرار داده ، گفتم : ای مولای ما، من از آغاز تا انجام کار همراه شما بودم ، اینک بفرمایید آن دو بزرگ که با آنها درباره مسائل علمی صحبت می کردید چه کسانی بودند؟ مقدس وقتی این درخواست را شنید، پس از آنکه تعهدات لازم را گرفت که تا موقع حیاتش به کسی اطلاع ندهم ، فرمود: ای فرزند من ! بسیاری از اوقات مسائل مختلفی برای من گنگ و مبهم می ماند، پس در هنگام شب به مرقد مطهر امیرالمومنین علیه السلام می روم و مساله را برای حضرت مطرح و جوابش را دریافت می کنم . امشب نیز بر طبق معمول به حضور انور شرفیاب شدم و حضرت مرا به صاحب الزمان علیه السلام حواله کرد و فرمود: فرزندم مهدی (عج) در مسجد کوفه است ، به حضورش برس و پاسخ مسائل خود را از آن حضرت استدعا کن آن مردی که در مسجد کوفه دیدی حضرت مهدی (عج) بود.(513)

وی شبی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در خواب دید که حضرت موسی علیه السلام در خدمت آن بزرگوار نشسته است و مقدس نیز در آنجا حضور دارد. پس حضرت موسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سوال کرد: این مرد کیست ؟ پیامبر فرمود: از خودش سوال کن . حضرت موسی علیه السلام از مقدس پرسید: تو کیستی ؟ مقدس جواب داد: من احمد پسر محمد از اهل اردبیل هستم و در فلان کوچه ، فلان خانه منزل من است . حضرت موسی علیه السلام تعجب کرد و گفت : من از اسم تو سوال کردم این همه تفصیل برای چه بود؟ مقدس در جواب گفت : خداوند عالم وقتی از تو سوال کرد که این چیست که در دست تو است ، تو چرا آن قدر در پاسخ تفصیل دادی (514)! حضرت موسی علیه السلام به پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت : راست گفתי که علمای امت من همانند انبیای بنی اسرائیل می باشند.(515)

رحلت

سرانجام ماه رجب سال 993 ق . فرا رسید. در این سال آفتاب فقاقت که از شهر اردبیل درخشیدن آغاز کرده و در سراسر جهان تشیع پرتوافشانی نموده بود پس از عمری تلاش و کوشش خستگی ناپذیر در راه دین و شریعت جاودانی اسلام در نجف اشرف غروب کرد، هر چند این غروب جسم او بود و روح مقدسش با آثار ارزشمندش همچنان پرتو افشان اسلام و تشیع است . پیکر مطهر مقدس اردبیلی را شیعیان و دوستانش در حرم مطهر مولای متقیان حضرت علی علیه السلام به خاک سپردند تا همان گونه که در دنیا عاشق اهل بیت علیه السلام بود در آخرت نیز همنشین آنها باشد.

آثار:

مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان

استیناس المعنویه

بحر المناقب

حاشیه بر شرح تجرید

حدیقه الشیعه

زبدۃ البیان فی آیات الاحکام

مقاله فی الامر بالشی

مناسک حج